نکته های رجالی، فهرستی

درس خارج

حضرت آیت الله مددی

روایات اهل بصره یک خوبی دارد که در آن تعارض وجود ندارد، چون در آن جا شیعه نبوده است.

عبارت «عن رجلٍ سمّاه» وقتی که این گونه می‌آید، معنایش این است که مثلاً شیخ کلینی نتوانسته در نسخه‌اش آن اسم را قرائت کند. و یکی از موارد رفع «حدیث مرفوع» تعبیر به «عن رجلٍ سمّاه» می‌باشد.

مدلول کلمهٔ «ثقة» در نزد نجاشی چیست؟ در مقدمهٔ کتاب‌های رجالی در این باره بحث شده است.

عادةً نجاشی تا علم و یقین نداشته باشد نسبت به کتاب‌ها برای یکی از رواة، نمی‌گوید: له کتابٌ، بلکه می‌گوید: یُنسَبُ إلیه، ولی شیخ می‌گوید: له کتابٌ.

کتاب نجاشی أدقّ از فهرست شیخ طوسی می‌باشد.

- مکتب کوفه معروف است به روایات علی (ع).

- در کتب أهل سنّت «رفعه» یعنی رواه ولی در کتب شیعه «رفعه» یعنی أرسله.

- روایات طبرسی در احتجاج ضعیف است.

في اصطلاح العامّة:
- إذا كان الرواية روى عن رسول الله — مرفوعٌ
- إذا كان الرواية روى عن الصحابة — موقوف
- إذا كان الرواية روى عن التابعي — مقطوعٌ

بحث های فهرستی غیر از بحث های رجالی است و هر کدام از این دو علم مبنای خود را دارد.

فرق اساسی بین رجال و فهرست این است که بحث رجالی متعرض راویان اخبار می شود و بحث فهرستی درباره مؤلفین می باشد.

رجال برقی، رجال شیخ طوسی، رجال کشی و ...

فهرست نجاشی، فهرست طوسی، فهرست ابی غالب زراری و ...

اصولاً کتابهای رجالی بر اساس روایات تدوین می شود.

در بعضی روایات از یک فرد تعابیر مختلفی می شود و یا با عناوین مختلفی می آید.

نمونه:

محمد بن علی همدانی
محمد بن علی صیرفی (ابو سمینه)
عند الاستاذ (مددی) کلاهما واحدٌ

ولی از عبارت ابن ولید رث گرفتن شیخ صدوق معلوم می شود که محمد بن علی همدانی با محمد بن علی صیرفی فرق می کنند. و از ابن بطّه معلوم می شود که این دو یک نفر هستند.

ابن فضّال در کتاب کافی، همان ابن فضال أب (پدر) می‌باشد
نه ابن فضال ابن (پسر)

- نوادر الحکمة از کتب علمی درجهٔ سوم و چهارم می‌باشد.

- کلمه «خادم» اگر به معنای خدمت کردن باشد، «خادم» و «خادمة» گفته
می‌شود. و اگر به معنای بنده باشد «مذکّر» می‌آید. مثل:
سَلمیٰ خادم رسول الله ← یعنی خادمة به معنای
مولاة و کنیز.

✓ - رساله‌ها و کتاب‌هایی که منسوب به ائمه علیهم السلام است، سند تمام آنها
محل اشکال است.

کتاب «مقنعه» از جمله تراث شیعه است که در مرحلهٔ سوم
جمع آوری شده است.

«الفعیل» إذا کان بمعنی المفعول، یساوی المذکّر والمؤنث فیه، مثل الجریح بمعنی المجروح
التاء فی «العقیقة» لیست للتأنیث بل زیدت للمبالغة.

الظاهریه، شبیه به اخباری‌های ما هستند که به ظاهر اخبار تمسک می‌کردند، و رئیس
مکتب آنها داود بن علی بوده است.

✓ روایات عمار ساباطی، هفتاد درصد آن از شذوذ است و ظاهراً منشاء شذوذ آن به تصرف او در روایات برمی‌گردد. یعنی فهم خاص و نظر فقهی خودش بوده و فکر می‌کرده که تصرف جزئی در روایات مضر است و کلمات را به کلی عوض می‌کند.

✓ شیخ صدوق در نقل روایات بسیار دقیق است.

مشیخه شیخ صدوق، طرق آن به رواة است نه کتب، بلکه کتاب فهرست شیخ صدوق طرق آن به کتب برمی‌گردد که الان این کتاب در دست ما نیست و بخشی از آن را نجاشی نقل کرده و بخشی دیگر را شیخ طوسی.

جمع آوری و تدوین کتاب فهرست شیخ صدوق

ابن غضائری دو تا فهرست دارد: ۱- فهرست اصول ۲- فهرست مصنفین

در میان اهل سنت، فهرست نویسی به این شکل که در میان شیعه معمول می‌باشد نبوده است و بیشتر به رجال و رواة پرداخته‌اند. چرا؟

✓ فهرست ابن ندیم قبل از فهرست شیخ طوسی و ابن غضائری بوده است.

احتمالاً به دلیل دقت زیاد شیخ صدوق، هر جا که می‌گوید: «روی» معنایش این است که روایت را از روی کتاب خود راوی نقل نکرده، بلکه روایتی را که در کتاب دیگر نقل شده است را آورده. و هرگاه که می‌گوید «روی» به این معنا است که روایت را از روی کتاب خود راوی نقل کرده است.

فرق در تعبیر «رُوِیَ» و «رَوی» در عبارات شیخ صدوق

✓ فهرست ابن بطه نزد شیخ طوسی بوده و منشأ اشکالات فهرست شیخ طوسی، همین فهرست بوده است. و نجاشی از فهرست ابن بطه مطلع بوده است و گاهی هم نقل کرده است ولی نزد نجاشی، این فهرست، اعتبار نداشته است.

✓ نجاشی دو تا تعبیر دارد — فلانٌ ضعیفٌ
— ضعیفٌ فی الحدیث (به درباره محمد بن جمهور می گوید: ضعیفٌ فی الحدیث)

به نظر ما این دو تعبیر با هم فرق نمی کنند، گرچه بعضی این دو تعبیر را یکی نمی دانند.

نظر استاد: "ضعیف فی الحدیث" لیس تضعیفاً، بخلاف "ضعیف" و هو تضعیف.

دو خط در کوفه وجود داشت — یکی خط اعتدال که خط زراره و عبدالله بن سنان بود.
— دیگری خط غلو که خط مفضل بن عمر بود.

در میان راویان بصری، ضعیف ترین فرد، عبدالله بن عبدالرحمن المعروف بالأصم البصری است که این فرد کذاب و غالی است و از او ضعیف تر دیگر وجود ندارد.

- از دیگر غلاه بصری "ابن شمون" می باشد.

- شیخ طوسی در زمینه های مختلف، انفراداتی دارد (مثل فقه، اصول، رجال)
به عنوان نمونه، در رجال آنجا که می گوید:
فلانٌ واقفیٌ ← جای تأمل دارد و باید بیشتر بررسی شود.

الحمیری : ثقة جلیل القدر جداً

فرق مجهول و مهمل : مجهول کسی است که در کتب ، اسمی از او آمده ، ولی جرح و تعدیل نشده است ، ولی مهمل کسی است که اصلاً در کتب ، اسمی از او به میان نیامده است.

جریان غلو : با قطع نظر از عقائد و انحراف عملی آنها ، تشویش روایات آنها است و آغاخانی های موجود ، ادامه دهان خط غلو می باشد که هیچ التزامی به دین ندارند

شخصیت های رمزی در سند روایات وجود دارد که وجود خارجی ندارند ، نظیر «عبدالله بن سبا» ، «جابر بن حیان» و ...

اسباب تعارض در روایات :
- گاهی در بعضی از روایات نقل شده در کتب اصلی ، تعارض دیده می شود که این تعارض از ناحیه امام علیه السلام نیست بلکه از ناحیه نسخه ها است
- گاهی تعارض در روایات به تقطیع روایات بر می گردد ، به خصوص تقطیعاتی که قبل از کتاب کافی صورت گرفته است

می گویند : آقای خوئی در اواخر عمرشان توثیق عام اسناد کامل الزیارات و تفسیر علی بن ابراهیم را نپذیرفتند و از آن برگشتند.

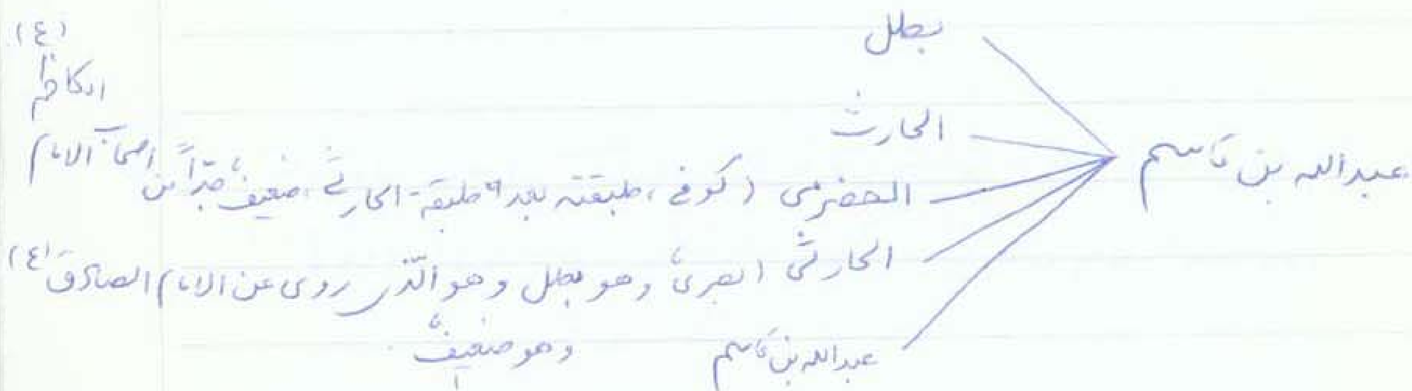
توثیق عام : یعنی هر کسی در اسناد این دو کتاب قرار دارند ، موثق است

عبدالله بن قاسم

بحث در این است که عبدالله بن قاسم، آیا یک نفر است و یا دو نفر به این نام وجود دارد.

عبدالله بن قاسم از اصحاب امام کاظم علیه السلام است، در کتب روایی به عنوان عبدالله بن قاسم آمده است. به حسب طبقه، امام صادق علیه السلام را درک کرده است.

احتمالاً دو نفر هستند که یکی از آنها امام صادق(ع) را درک کرده و دیگری درک نکرده و بر حسب طبقه مترددّ هستند — یکی از اصحاب امام کاظم علیه السلام باشد
دیگری از اصحاب امام صادق علیه السلام.



سؤال: آیا این عناوین پنجگانه یک نفر هستند یا دو نفر؟

در رجال برقی اصلاً این فرد ذکر نشده است. در رجال شیخ طوسی یک بار ذکر شده است و آن هم به عنوان عبدالله بن قاسم الحضرمی، از اصحاب امام کاظم علیه السلام.

در رجال کشی، روایتی را نقل می‌کند که در سند آن، عبدالله بن قاسم وجود دارد. وی گوید:
هو من أهل الارتفاع (غلوّ)، ولی طبقه او را ذکر نکرده است.

در رجال غضائری، دو بار اسم او را ذکر کرده و تصریح کرده است که دو نفر هستند. که یکی از آن دو بصری است و دیگری کوفی.

نظر استاد: نجاشی بین الحضرمی والحارثی دچار اشکال شده است، یعنی اطلاعاتی را که ذکر کرده، هرکدام باید برای دیگری بیاید. به عبارت دیگر اگر جای حضرمی را با حارثی عوض کنیم، مشکل حل می‌شود.

بنابراین: تراث عبدالله بن قاسم خالی از اشکال نیست.

روایات اهل بصره یک خوبی دارد که در آن تعارض وجود ندارد، چون شیعه در آنجا نبوده است.

مکتب کوفه معروف به روایات علی (ع) است.

سکونی

نسخه ابراهیم بن هاشم از سکونی مشهور است. سال ۱۸۰ فوت کرده است.

اهل سنت اتفاق نظر دارند بر کذاب بودن او. اما در نزد شیعه امامیه برخی او را ثقه می دانند. و عندنا فیه کلام. کلینی از کتاب سکونی نقل می کند. تمام روایاتی که از سکونی رسیده راویان آن شناخته شده هستند.

عبدالله بن مغیره در نهایت وثاقت است (ثقه ثقه) تنها کسی است که بیش از همه از او نقل کرده است.

- امام باقر علیه السلام، مؤسس علم تفریعی بوده است. و معنای باقر و بقر یعنی شکافتن. امام علیه السلام وقتی فوت می کنند، ابوحنیفه ۲۷ سالش بوده است.

اساس تدوین حدیث شیعی کوفه است و بعد از آن بصره و سپس مدینه می باشند.

دو نکته درباره سکونی وجود دارد: ۱- یکی نسبت به خودش
۲- طریق سکونی به نوفلی

کتاب الجعفریات، در عصر شهرت پیدا کرده و احتمال دارد که کتاب سکونی همان کتاب الجعفریات باشد.

کتاب الجعفریات و دعائم الاسلام و الکافی هر سه قبل از شیخ صدوق بوده است. و غالب روایات سکونی در این سه کتاب است. کتاب "نوادر" قطب راوندی به عینه کتاب سکونی است.

نکته: یکی از مشکلات ما در حدیث، انفرادات شیخ طوسی است که هیچیک از کلینی و شیخ صدوق آن را نقل نکرده‌اند.

البته شیخ طوسی از کتابهای نظیر: علی بن جعفر، حسین بن سعید و حسن بن محبوب و ... نقل کرده است و فتوا هم به آن داده نشده است.

سکونی: مطالبی را که سکونی از امام صادق (ع) نقل می‌کند، معاصران او آن مطالب را نقل نمی‌کنند و غالباً سند روایات سکونی این گونه است:

عن علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن النوفلی، عن السکونی عن أبی عبدالله (ع)

نکته: گاهی در کتب رجالی مطلبی ذکر می‌شود که هیچ دلیل قاطعی بر آن وجود ندارد.

به عنوان نمونه «محمد بن قزعه» که شیخ طوسی درباره او می‌فرماید:

محمد بن قزعة کوفی من أصحاب الصادق (ع)، در حالی که نکته جدیدی برای اثبات آن ذکر نکرده است.

سؤال: چرا اصحاب ما به روایات سکونی عمل کردند؟ در حالی که اهل سنت او را تکذیب کرده و به روایت‌های او عمل نکرده‌اند.

سؤال: و چرا بعد از ابراهیم بن هاشم (اواخر قرن ثالث) اعتماد اصحاب به روایات سکونی زیاد شد؟

شیخ طوسی در قرن پنجم درباره سکونی سخن گفته اند. یعنی بعد از ۲۰۰ سال
که اصحاب به روایات او عمل کرده‌اند.

- ده تا پانزده درصد روایات سکونی از طریق عبدالله بن مغیره است که از اجلاء اصحاب است. ولی بقیه اصحاب حتی یک روایت از کتاب سکونی را نقل نکرده‌اند. و تنها چیزی که کتاب سکونی را اعتبار داده، روایات عبدالله بن مغیره است.

- ما ادله شیخ دلیلی نسبت به اخذ به روایات سکونی را نمی‌دانیم

شیخ طوسی به مناسبت تعارض ـــ گفته:
هرگاه روایات باهم تعارض کنند، اگر یکی از روایات منقول از غیر امامیه باشد
لا نعمل بها، ولی اگر روایت معارض با روایت امامیه نباشد عمل به آن
می‌شود، یعنی حجت است، منتهی به شرط ـــ

حضرت استاد (این مسأله اشکال دارد و قابل مناقشه است)

در صورتی اصحاب ما به روایت سکونی عمل می‌کنند که روایت او مخالف روایتی در
شیعه نباشد و قول خلاف آن وجود نداشته باشد.

- عمل به روایات سکونی از اواسط قرن سوم شروع شد.
- سکونی سنی است ولی از ائمه علیهم السلام هم روایت کرده است

روایات حریز در باب طهارت

روایات حریز، رکن باب طهارت است یعنی اگر روایات حریز کنار گذاشته شود اصلاً چیزی از روایات باب طهارت باقی نمی‌ماند.

روایات معاویة بن عمار در باب حج

و نیز روایات معاویة بن عمار در باب حج تقریباً $\frac{1}{2}$ آن را تشکیل می‌دهد.

روایات سکونی در ابواب فقه

روایات سکونی در هیچ بابی از ابواب فقه رکن نیست، به همین خاطر اگر کنار گذاشته شود و بدان عمل نشود اشکالی پیش نمی‌آید، بخلاف روایات حریز و معاویة بن عمار اگر کنار گذاشته شود، آنوقت باید به اصول عملیه رجوع کرد.

نکته: در ابوابی که روایات کم داریم به روایات سکونی عمل شده است، ولی در ابوابی مثل صلاة، یا طهارت مثلاً چون روایات زیادی داریم به روایات سکونی عمل نکرده‌اند.

نوادر راوندی همان کتاب اشعثیات است و اشعثیات همان کتاب سکونی است

کم رنگ شدن نقادی روایات از زمان شیخ طوسی

از زمان شیخ طوسی که "حجیت خبر واحد تعبداً" مطرح شد، نقادی روایات از بین رفت، یعنی آن جوری که ابن ولید نقادی می‌کرد، روایات را، دیگر نقد روایات ضعیف شد.

ولی در میان اهل سنت چون قائل به حجیت تعبدی خبر نبودند، نقادی همچنان وجود داشت. از همین جهت می‌بینیم که کتاب‌هایی در باب "اخبار موضوعه" و یا "مجعوله" تألیف شده است، و در میان شیعه چنین کاری یا نشده و یا اینکه خیلی کم انجام شده است.



سوال: چرا نقادی روایات در شیعه وجود ندارد ولی در اهل سنت وجود دارد؟

انتشار آن در قرن پنجم

حدیث: لا ضَرَرَ و لا ضِرارَ یا لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام

از قرن دوم به بعد، این حدیث را فقهاء نقل کرده‌اند، و لذا (فی الاسلام) را فقهاء به آن اضافه نموده‌اند. در کتب حدیث مشهور "لا ضرر و لا ضرار" است ولی در کتب فقه "لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام" آمده است.

انتشار این حدیث از قرن پنجم به بعد است.

لا ضَرَر ← تشریع نیست. ولی سنی‌ها می‌خواستند از حدیث لا ضرر تشریع را در بیاورند

طریقه شناخت عبدالله بن سنان از محمد بن سنان

۱ـ این دو شخص در یک طبقه نیستند

۲ـ عبدالله بن سنان از اعاظم اصحاب امام صادق (ع) است و محمد بن سنان از اصحاب امام رضا و امام جواد علیهما السلام است؛

۳ـ حسن بن محبوب از عبدالله بن سنان روایت می‌کند نه از محمد بن سنان

۴ـ روایتی وجود ندارد که دائر مدار «ابن سنان» بین این دو شخص باشد.

نکته: احادیث «عرض» ارزش بسیاری دارد ولکن شناخت و تمیز آنها از بقیه احادیث مشکل است.

نکته هامه: شیخ طوسی در تصرف در روایات نزد بعضی به خصوص صاحب الحدائق شهرت دارد. یعنی بعضی از روایاتی که در کتب شیخ طوسی آمده است، قدری کم و زیاد دارد و با روایات کتب دیگران متفاوت است.

فرق اصل و کتاب

نجاشی می‌گوید: «له کتاب» ولی شیخ طوسی می‌گوید: «له اصل»

تفاوت این دو تعبیر در چیست؟

ابن عقده، من آیات الدهر و عجایبه

ابن عقده کثیر الروایة گفته می‌شود. سیصد هزار روایت با سند از حفظ داشته است. گفته می‌شود هو من آیات الدهر و عجایبه. شیخ طوسی طبقات خود را بر اساس آنچه را که ابن عقده آورده نوشته است.

نجاشی و علم الأنساب

شیخ نجاشی کتابی در انساب دارد، و در این علم خبیر و آگاه است.

حدیث ضعیف و اثبات نکته رجالی

اثبات نکته رجالی با حدیث ضعیف هم قابل اشکال است.

روایات محمد بن مسلم و شاگرد او علاء بن رزین

رزین

اکثر روایات محمد بن مسلم از طریق شاگرد او علاء بن رزین بوده است. ولی اسم علاء بن رزین در سندها ذکر نشده است. و احتمال می‌دهد که —— ؟

دقت ابن ولید و شیخ صدوق

ابن ولید که از مشاهیر قمی ها و استاد شیخ صدوق است، بسیار دقیق

و نقّاد بوده است و از همین رو شیخ صدوق می فرماید:

آنچه را که ابن ولید تضعیف می کند نزد من هم ضعیف است و بالعکس،

و اصلاً دقتی را که برای شیخ صدوق نقل می کنند به خاطر تاثیر پذیرفتن

از استادش می باشد.

برخی از دقت ها و نقادی های ابن ولید برجسته شود و درباره آن مطالبی نوشته شود

نوادر الحکمة و دبّة الشبیب

کتاب نوادر الحکمة محمد بن احمد نزد قمی ها معروف به دبّة الشبیب

(پستو = هرچه را که بخواهی در آن موجود است) می باشد.

محمد بن ناحیه

از محمد بن (ناحیه، ناجیه - نائیه) چیزی نمی دانیم و مجهول است.

ابن ولید و نوادر الحکمة

آنچه را که ابن ولید در کتاب نوادر الحکمة انجام داد ناظر به روایات

بودن راویان، از همین رو توانسته است که معلوم شود او مشایخ را

استثناء نمود و بقیه راویان را ترک کرد.

معرفة الاسانيد

- في معرفة الأسانيد لا ننظر إلى السند بل نُراجع إلى الشواهد في الفهارس وكتب الرجال

- اختلاف در نسخه های کتاب به معنای باطل بودن کتاب و توقف در آن نیست بلکه باید علت و سبب زیاده و نقصان را کشف نمود، که آیا از ناحیه راویان صورت گرفته و یا از ناحیه مؤلف.

طبقه برخی از اصحاب امام صادق (ع)

عدّه ای از اصحاب امام صادق (ع) که در زمان امام یا بعد از امام (علیه السلام) از دنیا رفته اند حکم آن در طبقه مثل حکم امام صادق در طبقه است. مثل محمّد بن مسلم، زراره ابن أبي عمير و ...

حجیت خبر واحد در مسائل مبتلا به

خبر واحد در مسائل «مبتلا به» حجیت ندارد.

مراد از حمّاد:

۱- حمّاد بن عثمان = اگر از حلبی روایت کند.

۲- حمّاد بن عیسی = اگر از حریز روایت کند.

تقطیع احادیث و تعارض در روایات

یکی از اسباب تعارض در روایات، تقطیع احادیث است که به واسطه راویان بوجود آمده است.

حلبی و روایات او

بیشتر روایات «حلبی» خودش از امام (ع) سؤال نکرده است، بلکه روایات اصحاب را در کتاب خودش آورده است.

تفسیر علی بن ابراهیم (قمی)

کتاب تفسیر علی بن ابراهیم به لحاظ سند بطور جزم و یقین از علی بن ابراهیم نیست. این کتاب تفسیر تأویلی است.

علی بن حاتم قزوینی از مشایخ شیخ صدوق است، و در این کتاب موجود است و احتمال می‌رود که علی بن حاتم قزوینی صاحب این کتاب باشد و از مشایخ کلینی روایت کرده.

«عباس یا» از سادات است و نیز گفته اند که احتمالاً صاحب این تفسیر باشد.

علی بن ابراهیم اصلاً توسط علی بن حاتم قزوینی درک نشده است. قسمی از این کتاب از علی بن ابراهیم می‌باشد و قسمی دیگر از ابی الجارود بوده است و علی بن حاتم قزوینی از طریق ابن عقده تفسیر ابی الجارود را نقل می‌کند.

کتاب دعائم الاسلام و قاضی نعمان مصری

کتاب دعائم الاسلام از قاضی نعمان مصری است که اسماعیلی بوده و کتاب او، کتاب فقهی است و دارای اعتبار می‌باشد.

اینکه حاجی نوری اصرار دارد که بگوید او شیعه اثنا عشری است، درست نیست.

نجاشی و کلینی

نجاشی درباره کلینی می‌گوید:

أوثق الناس بالحدیث و أثبتهم

نظر استاد: دقت شیخ صدوق در نقل احادیث بیشتر از شیخ کلینی بوده است اگرچه این دقت را معمولاً برای شیخ کلینی ذکر می‌کنند.

حاجی خلیفه در کتاب کشف الظنون، شیخ طوسی را شافعی معرفی کرده است. احتمالاً چون شیخ آراء شافعی را نقل کرده، به این جهت او را شافعی معرفی کرده است.

فتاوای فرعیه شیخ طوسی

بعضی از فتاوای فرعیه شیخ طوسی در کتاب المبسوط برگرفته از فتاوا و آرای اهل سنت است، و بعد از دو قرن بحث شد که آیا چنین شهرت های فتوائی حجت است یا نه؟

أبو سُمینه از کذابین مشهور شیعه

ابوسمینه یا محمد بن علی الکوفی از مشهورترین دروغگویان شیعه است و نکته مهم درباره او آن است که مستقیماً از امام (ع) نقل حدیث نمی کند، و از همین جهت است که در احادیث کافی در سلسله راویان قرار گرفته است.

شیخ طوسی و منفردات او

شیخ طوسی در فقه، اصول، رجال، تفسیر، کلام انفراداتی دارد که همه آنها نیاز مند تأمل است و نیازمند بررسی ویژه.

نمونه

از جمله منفردات شیخ طوسی این است که افراد زیادی را متهم به وقف (واقفی بودن) کرده است و مثلاً گفته: فلان شخص واقفی است، در حالی که دیگران وقف برای او ثابت نکرده اند، از این جهت انفرادات شیخ در این خصوص مورد قبول نیست.

معنای طریق در روایات

گاهی طریق شیخ دلیلی به یک حدیث. مثلاً حدیث صفوان ۵ طریق می‌باشد که مثلاً گاهی هیچ اختلاف این پنج طریق با هم ندارند و گاهی با هم اختلاف پیدا می‌کنند

سه کتاب فهرست اساسی

۱- فهرست ابوغالب زراری

۲- فهرست نجاشی (معروف به رجال نجاشی) - قدری ابحاث رجالی در آن وجود دارد.

مثلاً بیان «روی عنه» بحث رجالی است.

۳- فهرست شیخ طوسی. اصلاً نکته رجالی در آن وجود ندارد.

بررسی هر فرد (راوی) از سه جهت

۱- در روایات: ممکن است در روایات به چند اسم وارد شده باشد

۲- در کتاب های رجالی: به اعتبار تشخیص اشخاص از جهات گوناگون، بلد و شهر پدر، شاگرد، استاد، نسب، عشیره و...

۳- در کتاب های فهرستی، فقط آنچه را که در کتب فهارس دیگر آمده ذکر شود.

هر کسی که روایتی را نقل نکرده، نباید در کتابهای رجالی اسم او ذکر شود، ولو اینکه اسم او در کتب تراجم آمده باشد.

- بیان مذهب شخص از شؤون علم رجال است نه علم فهرس

تفاوت مصادر شیخ طوسی و نجاشی

مصدر شیخ طوسی و نجاشی با هم متفاوت است، از همین جهت تفاوتهایی بین فهرست شیخ طوسی و نجاشی دیده می‌شود،

به عنوان مثال آنچه را که آن دو بزرگوار درباره ابن بطّه می‌گویند

ایجاد فهرستی شیخ معمولاً ناقص است بخلاف نجاشی

وجه تسمیه علم رجال

«رجال» به معنای اصحاب و کسی که از کسی روایت می‌کند.

بنابراین اگر زنی از کسی روایت کرد، اسم او در کتب رجال ذکر می‌شود، مثلاً این طوری گفته می‌شود:

جاء فلانٌ مع رجاله أی مع أصحابه

ابن أبی جید

واسطهٔ بین نجاشی و شیخ طوسی با ابن ولید (استاد شیخ صدوق)

ابن أبی جید می باشد.

نکته: شیخ صدوق عنایتی به کتاب کافی به لحاظ روش رجوع کلینی ندارد.

نکته: قدمای اصحاب اگر به روایتی ایمان نداشتند (یعنی آن را قبول نداشتند) اصلاً آن را نقل نمی کردند

فروع موجود در کتاب «المبسوط» شیخ طوسی متأثر از فروع موجود در فقه اهل سنت می باشد به خصوص شافعی ها. و آراء موجود در آن براساس «تبنّی» است نه «تلقّی». مراد از «تبنّی» یعنی اجتهادات

و مراد از «تلقّی» نصوص و روایات است که براساس آن فتوا داده شده است

فهرست ابن بطّة (بطّه) القمی

محمد بن جعفر بن بطّة القمی، المؤدّب، معلّم الأدب، کثیر الأدب، مطلع فی علم الأدب

ابن بطّه در طبقه ابن ولید، و استاد شیخ صدوق می باشد.

تضعیف در کتب رجالی

تضعیف در کتب رجالی:
۱- مطلق: کان ضعیفاً
۲- مقیّد: کان یتساهل فی الحدیث (فی مبانی الحدیث)

تضعیف المقیّد لیس تضعیفاً.
فلانٌ ضعیفٌ لأنّه خلّط فی الإسناد

ویژگی های کتاب نجاشی

- در کتاب نجاشی، کنیه مؤخر می آید. ولی معروف این است که ابتدا لقب می آید سپس کنیه و آنگاه اسم می آید. مثل جمال الدین، ابو جعفر، محمد بن احمد ——

«یعرف و ینکر» تعبیری است که نجاشی در کتاب خود آورده است. و مراد ایشان این است که این فرد روایاتی را از نسخه معروف نقل کرده. (یُعرَف) و یا روایاتی را از نسخه غیر معروف نقل کرده است. (یُنکر)

و نیز تعبیر «بین بین» همین طور است

تفاوت مسلک شیخ و نجاشی

تفاوت مسلک شیخ و نجاشی: مسلک شیخ رجالی است و مسلک نجاشی فهرستی است.

مقصود از «کذّاب»

این تعبیر به این معنا نیست که این فرد دروغگو است، بلکه این تعبیر به مبنای او در نقل حدیث بر می‌گردد. مثل اینکه نسخه‌ای به نحو «وجاده» به او می‌رسد، و در نقل روایت آن را اسناد به صاحب کتاب می‌دهد.

اگر کسی این گونه روایت کند، می‌گویند: فلان یتساهل فی الحدیث، یا فلانٌ کذّابٌ.

اسناد عوالی اللئالی

یروی عن الکلینی، و در اسناد، اسم هایی را ذکر کرده که اصلاً وجود خارجی ندارند

تفاوت سند معتبر و روایت معتبر

این دو اصطلاح با هم متفاوت است، تعبیر شیخ عباس قمی (ره) در مفاتیح الجنان به سند معتبر، غالب موارد آن سند معتبر ندارد، بلکه شاید در روایتی آمده است که ایشان آن‌ها روایت را بنا بر مبانی خود معتبر می‌دانسته،

نظریه «ترکیب» و «تعلیق»

اگر «اجازه» را با سند ترکیب کنند. از آن «نظریه ترکیب» یا «نظریه تعلیق» بوجود می‌آید. که آقای میرزا جواد تبریزی این نظریه را قبول دارند و چنین کاری را انجام می‌دهند.

این کار در میان اهل سنت هم بوده است و قبلاً هم انجام می‌داده‌اند

برخی از مراجع فعلی سند ضعیف را به طرق عامه تصحیح می‌کنند (آقای تبریزی)

تعلیق الأسانید بالاجازات و یا تعلیق الاجازات بالأسانید = این نظریه باطل است

مثلاً، شیخ طوسی روایاتی را از ابن أبی عمیر نقل می‌کند که طریق آن ضعیف است، می‌گویند بجای این ضعیف «أخبرنی بجمیع کتبه و روایاته» استفاده می‌شود و طریق روایت تصحیح می‌شود

این نظریه باطل است و مستلزم دور، گرچه بعضی از مراجع آن را قبول دارند

(۱) نظریه ترکیب = نظریه تعویض، آقای خوئی مدتی قائل به این نظریه بوده ولی ظاهراً در اواخر عمر از این نظریه اعراض کرده‌اند

تعبیر ترکیب بهتر از تعویض است

مفوضه یا غلاة

اصطلاح مفوضه نزد شیعه به معنای غلاة است نه به معنای جبر و تفویض

ابن ولید می‌گوید: من علائم الغلو نفی سهو النبی فی الصلاة

کتاب اختصاص شیخ مفید

نسبت کتاب «الاختصاص» به شیخ مفید قطعی نیست، بلکه احتمال

خلاف در آن وجود دارد.

تحف العقول

مؤلف تحف العقول در اوساط علمیه نبوده است، نه کتاب او و نه خود او.

تا قرن عاشر در اوساط و محافل علمیه ذکری از آن نبوده است و در شام در میان

علویان زندگی می‌کرده است.

این کتاب در دوران صفویه مطرح می‌شود و نسخه‌ای از آن بدست علامه

مجلسی می‌افتد و آنگاه مجلسی از آن نقل می‌کند.

اجمالاً این کتاب نقی و خالی از تشویش و اضطراب است

ابن ولید و دقت‌های او

فهرست ابن ولید بسیار دقیق است و ایشان مزید در این باب بوده، اگرچه مقدار

کمی از فهرست ابن ولید بدست ما رسیده است. و همین مقدار کم دلیل براین

است که ایشان بسیار دقیق بوده است.

فقه التفریع و شیخ طوسی

فروعاتی را که شیخ طوسی از اهل سنت گرفته و بر اساس مبانی شیعه به آن فتوا داده، احتمالاً بخشی از این تفریعات در کتب ابن جنید و ابن عقیل بوده و در زمان شیخ و بعد از آن این فتوا اشتهار پیدا کرده است.

و علما هم بر اساس آنچه که در المبسوط آمده موافقت کردند و مبانی شیخ طوسی را پذیرفتند و بدون مدرک و نصوص اشتهار بین اصحاب پیدا کرد.

بعدها بحث کردند که آیا این شهرت حجت است یا نه؟

بعضی از تفریعات کتاب مبسوط با اصول شیعه هماهنگی ندارد.

مشیخه و فهرست شیخ صدوق

صدوق علاوه بر مشیخه، فهرستی هم دارد.

طرق صدوق به روایات در مشیخه آمده است. و طرق صدوق به کتب در فهرست آمده است.

ثقه و نجاشی

نجاشی وقتی می‌گوید: «فلان ثقه» معنایش این است که او امامی است.

نقل با واسطه وبدون واسطه از امام

«حریز» بدون واسطه از ابوعبدالله علیه السلام نقل نمی کند، بلکه بواسطه چون آن حضرت را ندیده است.

«عبدالله بن مسکان» امام صادق (ع) را درک کرده و دیده و از آن حضرت مستقیماً روایت نکرده است.

«عمر بن اذینه» به نظر حضرت استاد، بطور مستقیم از امام صادق (ع) روایت نکرده است.

«موسی بن عمر»

موسی بن عمر (موسی بن عمر بن بزیع) نجاشی اسم او را ذکر نموده و او را توثیق کرده قال: ثقة کوفی.

شیخ طوسی «موسی بن عمر» ذکر کرده یعنی به طور مطلق آورده است.

نجاشی (موسی بن عمر بن یزید) را ذکر کرده و درباره او سکوت کرده و توثیقی درباره او نرسیده است.

آقای خوئی چون موسی بن عمر بن یزید، در کامل الزیارات آمده است، او را توثیق نموده است.

موسی بن عمر بغدادی در کتب اربعه اسم او نیامده است، ولی در کتاب امالی اسم او آمده است.

محمد بن احمد در نوادر الحکمة، از موسی بن عمر بن یزید روایت کرده و ابن ولید او را استثنا نکرده است و عدم الاستثناء دلیل علی الوثاقة

نظر استاد: به احتمال زیاد این دو (موسی بن عمر بن بزیع و موسی بن عمر بن یزید) یک نفر نیستند، بلکه دو نفرند.

استثناءات ابن ولید از نوادر الحکمة

ابن ولید نزدیک به ۲۰ روایت از کتاب نوادر الحکمة استثنا نموده است

«شیخ طوسی» از استثناءات ابن ولید تضعیف را فهمیده است، در حالی که استثناءات ایشان گاهی مطلق است و گاهی مقید. «نجاشی» از این استثناها تضعیف را نفهمیده است، بلکه استثناهای ایشان ناظر به نکته فهرستی است.

منهج فهرستی و منهج رجالی

در منهج فهرستی نظر به روایت است ولی در منهج رجالی نظر به سند و راویان می باشد.

از استثناء تضعیف مصطلح فهمیده نمی شود.

دقت و عدم دقت فقهاء

شیخ صدوق در مقام افتاء از محمد بن عیسی عن یونس، در من لا یحضر روایت نمی‌کند، اما در خصال روایت می‌کند.

هل الاستثناء یلازم التضعیف

الف: الاستثناء لا یدل علی التضعیف، ولا ملازمة بینهما، حتی الاستثناء المطلق. الشیخ الطوسی قائل بالملازمة وفهم الملازمة من کلام ابن الولید.

ب: القول بالتفصیل، الاستثناء المطلق یلازم التضعیف و الاستثناء المقید لا یلازم التضعیف.

محمد بن سنان و الغلو

محمد بن سنان من أعلام خط الغلو

جامع الاحادیث و تقطیع روایات

تقطیع روایات از جمله مسائلی است که مشکلات زیادی را بوجود آورده است.

به ویژه، تقطیعاتی که در مصادر اولیه صورت گرفته است.

تقطیع در وسایل الشیعه بسیار زیاد است و یکی از مشکلات این کتاب به شمار می رود

هر چند که اصلاح و حل تقطیعات آن به دلیل وجود مصادر اولیه ممکن است

و یکی از دلایل جمع آوری و تالیف جامع الاحادیث توسط آیت الله بروجردی،

همین مسأله بود.

معنی الکذب

بی دقتی در تحمل حدیث و نقل آن و تساهل و آسان گیری در نقل، اطلاق کذب

بر آن می شود. به عنوان نمونه گفته اند: «محمد بن سنان» کذاب است، مراد از

کذب او همین نکته ای است که بیان شد.

تاثیر سند در متن و بالعکس

السند یؤثر فی المتن و المتن یؤثر فی السند، إذا کان الراوی من الأجلاء،

یکون متن الحدیث محکماً.

محمد بن یحیی العطّار القمی و ولده

محمد بن یحیی عطار قمی از مشایخ شیخ کلینی است و از اجلاء می باشد،

امّا پسر او احمد بن محمد بن یحیی، توثیق نشده است!

عندنا أحمدان — أحمد بن محمد بن یحیی العطّار (لم یرد فیه توثیق)

احمد بن محمد بن حسن الولید (ایضاً لم یرد فیه توثیق)

این دو از فرزندان علماء می باشند که توثیقی درباره آنان نرسیده است.

ابن داود و علامه حلی (ویژگی این دو رجال)

ابن داود و علامه هر دو معاصر بودند و هر دو شاگرد سید بن طاووس

بوده اند. ویژگی رجال ابن داود این است که بعضی از اشکالات

رجال علامه را متذکر شده است.

نسخه شیخ طوسی (رجال شیخ) به خط خود شیخ، نزد

ابن داود بوده است.

أبوالخطّاب و روایات او

حتی یک روایت از ابوالخطّاب در جوامع حدیثی با وجود ندارد. بزرگان اهل

حدیث روایات او را به طور کلّ از جوامع حدیثی حذف کرده اند.

عبدالله بن قاسم:
- البطل الحارثی (المشهور فی أوساط البصریین لم یثبت له أنه صاحب کتاب)
- حضرمی (المشهور فی أوساط الکوفیین، صاحب کتاب)

شیخ طوسی عبدالله بن قاسم را واقفی معرفی می کند و در هیچ کتاب سخن

از وقف او نرفته و از منفردات شیخ می باشد.

آقای شوشتری می گوید: این دو یکی هستند و ضعیف می باشد.

نظر استاد: این دو یکی هستند؛ حق با ابن غضائری است

و کلام نجاشی در این باره درست نمی باشد.

سالم بن مکرم (ابوخدیجه جمّال)

روایت او در باب ولایت فقیه آمده است

نجاشی: دوبار او را توثیق کرده، و شیخ طوسی او را تضعیف کرده.

چنین فردی به لحاظ اصطلاحات حدیثی «مجهول» شمرده می شود.

«مجهول» در میان علمای حدیث دارای چندین معنا و تعریف می باشد.

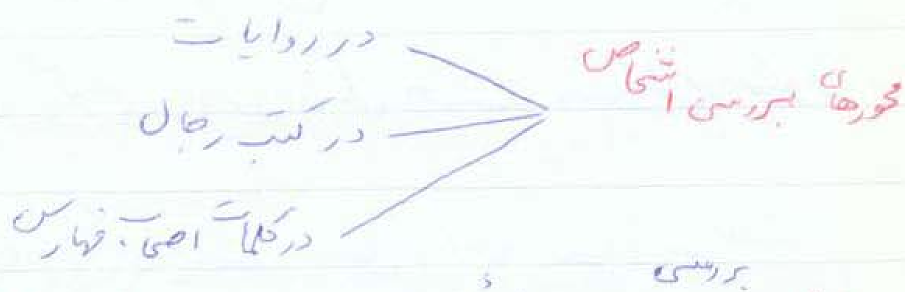
توثیقات عامّه و الفاظ آن

در توثیقات عامّه باید لفظ صریح باشد؛ عبارت «روی عن الثقات، والثقات رووا عنه» صراحت ندارد.

بلکه باید این طور گفت: فلانٌ لا یروی إلّا عن ثقة.

انفرادات شیخ و اعتماد بدان

اعتماد به منفردات شیخ طوسی دشوار و نیازمند دلیل است؛



مثال: بررسی یحیی بن أبی العلاء الرازی (در روایات)

فقط در یک مورد از روایات این گونه آمده است و آن هم در کتاب تهذیب و استبصار شیخ در کتاب باب: اعتکاف.

در کتب اربعه به صورت «یحیی بن علاء» نیامده است بلکه به شکل یحیی بن أبی العلاء آمده است؛

یحیی بن أبی العلاء الخزاعی، در کافی در یک روایت آمده است

(در کتب رجال)

- شیخ طوسی منفرداً در اصحاب باقر (ع) ذکر کرده است (یحیی بن أبی العلاء الرازی)

- همچنین شیخ در اصحاب امام صادق علیه السلام گفته است: یحیی بن علاء بن خالد البجلی کوفی یقال له: الرازی.

نجاشی گفته: یحیی بن العلاء البجلی الرازی، أبوجعفر، ثقة، اصله کوفی (انتقل وسکن في الرّي)

نکته: مراد نجاشی از ثقة: یُراد به أنّه إمامیّ، از تعبیر نجاشی فهمیده می‌شود که کتاب او مشهور بوده است و این کتاب را جماعتی نقل کرده‌اند

یحیی پسری دارد که او هم ثقه است و نجاشی آن را ذکر کرده و ترجمه اورا در ذیل ترجمه پسرش آورده است:

می‌گوید: روی أبوها عن أبي عبدالله (ع) —— وهو أخلط

بنا من أبیه وأدخل بنا: ظاهرش این است که پدرش از اهل سنت بوده، ولی این تعبیر با تعبیر ثقه نجاشی نمی‌سازد، چون معمولاً مراد او از ثقه امامی بودن است؟

- کتابه یختلط بکتاب أبیه تارة ینسب إلی أبیه

یعنی پسرش به ما شدیداً نزدیک‌تر است

- له کتاب یرویه جماعة!! فکیف یختلط بکتاب ولده؟

- مرحوم شوشتری در قاموس درخصوص «یحیی» دچار اختلاط شده است.

- مرحوم مجلسی نوشته: مجهول است.

- نظر استاد: صواب آن است که یحیی بن ابی العلاء که در روایات آمده است

غیر از آنچه است که شیخ طوسی و نجاشی در رجال و فهرست خود آورده اند

- در کتب اهل سنت آمده است: در میزان الذهب، تهذیب الکمال:

در آنجا آمده است که: از جمله راویان امام صادق (ع) است. و در کتابهای

سنت از پسر او اسمی نیامده است:

شاید به این جهت باشد که تمایل به تشیع داشته و یا شیعه شده، از این رو اسمی

از او نیامده است.

شیخ در فهرست خودش: یحیی ابن أبی العلاء الرازی ذکر کرده است:

اهل سنت معتقدند که یحیی بن العلاء ضعیف است.

فضای روایات ما به یحیی بن ابی العلاء کوفی می خورد نه رازی

اعتبار کتابهای حسن بن محبوب و حسین بن سعید

از صحیح ترین کتب حدیث و فقه بوده است، همانند کتاب کافی زیرا مأخذ و مدار فقهای

بر آن استوار است.

ابن فضال و مراد از آن در کتابهای مختلف

مقصود از ابن فضال در کتاب کافی یعنی «أب» و در تهذیب یعنی

«ابن».

مقصود از عبارت «أخذَ ما وَهَبَ، سَقَطَ ما وجب»

شخصی در ماه رمضان در حرم یکی از ائمه علیهم السلام روزه خواری می کرد.

کسی پرسید چرا الآن روزه نمی خوری، این جمله را در پاسخ گفت.

شرب خمر (نبیذ) نزد ابوحنیفه و عامّه اهل سنت

شرب خمر و نبیذ نزد عامّه اهل سنت حرمت ندارد.

سکر نوم و سکر خمر

در خصوص آیه مبارکه: لا تقربوا الصلاة وانتم سکاری، بیشتر روایات مراد

از سُکر را سکر نوم گرفته اند، نه سکر ناشی از خمر (در تفسیر البرهان ۶ روایت

سکر نوم: خواب آلودگی در این خصوص آمده است).

نکته:

درخصوص شرب نبیذ، بعضی از مسلمین شرب آن را جایز می دانند ولی شرب خمر را عامه مسلمانان حرام می دانند. (شرب نبیذ، میزان مسکر آن کمتر از خمر است.)

تراث علمی شیعه از کوفه به قم

در اوایل قرن سوم، بعضی تراث علمی شیعه از کوفه به قم منتقل شد، ابراهیم بن هاشم اولین کسی بود که تراث علمی را از کوفه به قم منتقل کرد.

احمد بن محمد بن عیسی بن عبدالله اشعری قمی فرد دیگری است که این تراث را از کوفه به قم منتقل نموده است.

الیسع و اشعری ها

الیسع دقیقاً معلوم نیست که چه کسی است، احتمالاً یسع بن عبدالله قمی است. دو نفر اسم آنها یسع است و هر دو اشعری هستند و اهل قم، یکی متقدم و دیگری متأخر.

اشعری ها مؤسسین قم هستند.

اصطلاح «وجه»

این واژه در اصطلاح علمای علم رجال مثل: له وجه في أصحابنا الرجاليين،

یعنی: عالم کبیر با

ابن أبی جید و اصلاعات ما از او

تلمیذ ابن ولید است و درباره او چیزی نمی‌دانیم، کتاب اسناد و ... را به بغداد برد و شیخ طوسی و نجاشی از او أخذ نمودند.

تأمل جدی در انفرادات شیخ طوسی

نمونه: توصیف اسماعیل بن جابر به «خثعمی» فقط از منفردات شیخ طوسی است و در هیچ کتاب رجالی دیگر نیامده است. از این رو انفرادات ایشان در عرصه‌های مختلف به طور جدی جای تأمل دارد.

تفاوت شأن کتب رجالی با فهرستی

شأن و رسالت کتابهای رجالی ذکر راوی و مروی عنه است ولی شأن و رسالت کتابهای فهرستی ذکر طرق است.

تفاوت کتاب «النهایة» و «الخلاف» شیخ

کتاب نهایه شیخ طوسی برگرفته از نصوص و روایات است، که نص اخبار در آن آمده است. ولی کتاب «الخلاف» کتابی است که مبتنی بر کتابهای عامه است و نص اخبار هم در کتاب خلاف نیامده است.

فروع فقهی و کتاب المبسوط

بسیاری از فروع فقهی از کتاب المبسوط شیخ طوسی گرفته شده است.

معنای طرق مختلف یک روایت

وقتی که دو تا طریق برای روایتی ذکر می‌کنند، بدین معنا است که دو تا نسخه وجود داشته و در هر دو نسخه آن روایت آمده است.

علی بن مهزیار اهوازی و روایات امام جواد (ع) در مدح او

روایات زیادی از امام جواد (ع) در مدح علی بن مهزیار رسیده است.

قمی ها و نداشتن تفریع در مسائل

شیخ طوسی وقتی می‌گوید: «أخبارهم» نظراتش به قمی‌ها است و وقتی می‌گوید دلیلنا اجماع الفرقة: نظراتش به بغدادی هاست. - قمی ها استنباط و تفریع در مسائل نداشتند.

« ظاهریه و اخباریه »

الظاهریة عند أهل السنة کالأخباریة عندنا ، الظاهریون کالأخباریون یعتمدون علی ظواهر النصوص.

چرایی عدم نقل علامه از کافی

علامه اصلاً از کافی نقل نمی‌کند بلکه فقط از تهذیب نقل می‌کند.

سرّ اعراض قدما و عمل آنها

اعراض قدما که سرّاست و عمل آنها جابر است، باید دید نکته و سرّ این اعراض چیست و چرا بدان عمل نموده‌اند؟ مسأله تعبدی نبوده است، بلکه به خاطر نکته و سرّی اعراض کرده‌اند. آنچه مهم است، کشف آن نکته و سرّ است.

بحث صغروی
بحث کبروی ⟵ دارد.

زرارة و تشیّع او

زرارة بن اعین ابتداء سنّی بوده و در زمان امام باقر (ع) شیعه شده است.

و برخی از روایات زرارة و محمّد بن مسلم احتمال تقیه در آن می رود (وقتی که از امام باقر (ع) نقل می کنند).

یحیی بن الحسین من اعلام الزیدیّة

این فرد که از برجستگان زیدیه است، زیدی های یمن از اتباع یحیی بن الحسین هستند. این فرد از معاصران امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام بوده است، تعابیر عجیبی علیه شیعه و ائمه علیهم السلام دارد.

منبع کتاب های رجالی

مصدر و منبع کتابهای رجالی شیخ طوسی دو چیز است:

۱- کتب رجالی متقدم

۲- استخراجات شیخ از روایات

و همین مسأله در معجم الرجال آقا خوئی هم جاری است

شیخ طوسی و روایات متعارض

بیشترین روایات متعارض نزد ما، روایاتی است که شیخ طوسی نقل کرده است

واگر شیخ نبود ما از این تعارض آگاه نبودیم. واصحاب ما قبل از شیخ

آن ها را بطور کلی صفحه کنار زده بودند

و ما اگر با کتاب کافی و کتاب شیخ صدوق زندگی می کردیم اصلاً با این

تعارض ها برخورد نمی کردیم.

شیخ طوسی در مقدمه تهذیب واستبصار کاملاً واضح است که در مسأله تعارض

گیر کرده است

پیشنهاد استاد: بنده حاضرم لجنه ای از علاقه مندان تشکیل شود و تمام روایات

متعارض را در یک جا جمع کنیم و کار استقرایی روی آنها انجام شود و متعارض

آنها را مورد بررسی قرار دهیم. چه روایاتی که به عنوان تعارض

ذکر شده است و چه روایاتی که به این عنوان ذکر نشده است

مرحوم کلینی از باب مسأله کلامی، قائل به تخییر شده است ومرحوم آخوند از باب

مسأله اصولی قائل به تخییر شده است. (در مسأله تعارض که همان تعبّد به روایات با سند)

شیخ طوسی و حجیت تعبدی خبر

شیخ چون قائل به حجیت تعبدی خبر شد عبارت الجمع مهما أمکن أولی من الترک

این جور جمع کردن، حل مشکل علمی ما را می کند اما واقع را حل نمی کند

یعنی اینکه واقعاً در کتاب محمد بن مسلم چه آمده است را درست نمی کند

و نکته و سر اینکه، ما دنبال حجیت تعبدی نیستیم، همین مطلب است که عرض شد. کسی که دنبال واقع می گردد، می خواهد ببیند که واقعاً محمد بن مسلم چه گفته است.

نکته: حجیت تعبدی، می گوید هر دو درست است، ولی ما که دنبال واقع هستیم این نوع حجیت را قبول نداریم.

شیخ مفید و مرتضی حجیت تعبدی را قبول ندارند، اصولاً عقلیون تعبد را قبول ندارند.

در درس اصول، بحث حجیت خبر، کلیه روایات را دانه دانه بررسی کردیم، (نوار آن درس موجود است)

یونس بن عبدالرحمن و اتهام به رأی

یونس بن عبدالرحمن متهم به رأی است و از این جهت قمی ها او را لعن می کنند

نجاشی و کشی درباره یونس مطلبی را نقل می کنند

منظور از «معالم دینیا»

أ یونس بن عبدالرحمن ثقة آخذ منه معالم دینیا.

مراد از معالم غیر از نقل روایات است. و باید بررسی شود که مراد از اخذ

معالم دین چه ها باشد؟

بررسی علل و عوامل تعارض در روایات

تقطیع حدیث یکی از علل تعارض در روایات است

باید علل تعارض شخص شود و آنگاه نتیجه گیری شود که چه مقدار از روایات، تعارض

مستقر است و چه میزانی از تعارض در روایات به غیر امام بر می گردد

- با مسائل فقه، باید برخورد قضایای خارجیه شود نه حقیقیه، و اگر این کار شود

مشکل روایات را حل می کنند.

فضل بن شاذان

فضل از کبار اصحاب و امام هادی و عسکری را درک نموده، در همان سالی

که امام عسکری رحلت کردند، فضل بن شاذان هم همان سال ۲۶۰ فوت کرده است

ابن جنید و شهرت او به شذوذات (شاذها)

ابن جنید هم که معاصر با شیخ صدوق است، مشهور به موارد شاذ است

ابن جنید از فقه روایی و مأثور دست کشیده و به فقه اصولی و تفریعی

روی آورده است.

- شیخ مفید هم در مسائل سرویه طعنی به ابن جنید دارد

- ردپای آرای ابوحنیفه در آرای ابن جنید زیاد دیده می‌شود.

شیخ طوسی و تفریعات مأخوذه از کتب شافعیه

شیخ طوسی تفریعاتی را از کتابهای شافعیه أخذ کرده است و در کتاب مبسوط آورده است

بعد از شیخ طوسی از قرن ۵ تا ۷، اجماعات و فتاوایی در این خصوص توسط برخی از فقها صورت گرفت

در حقیقت، فقهاء دویست سال مقلد شیخ طوسی بودند به عبارت دیگر:

آمنوا بمبنی الذی آمن به الشیخ.

شهرت فتوایی و شهرت تطابقی و جبران ضعف سند

شهرت عملی (فتوایی) در صورتی جابر ضعف سند است که شهرت استنادی باشد نه شهرت تطابقی؛ یعنی فقهاء با استناد به متن فتوا داده باشند نه اینکه فتوای آنها تطابق با احتیاط بوده باشد.

به عبارت دیگر، گاهی فقهاء فتوایی را می‌دهند و روایتی و یا سندی در دست ندارند، ولی تطابق با احتیاط فتوا می‌دهند.

روایات عرض

اگر راوی واحد بود و از دو امام روایت کرد، احتمالاً از روایات عرض می‌باشد.

هشام بن سالم و نیاز روایت به پالایش

هرگاه در سند روایتی هشام بن سالم باشد آن روایت نیازمند به پالایش می‌باشد.

در روایات عمار ساباطی که در سند آن هشام بن سالم وجود ندارد، آن روایات مشکلی ندارد.

فرق بین «رَوی» و «رُوِیَ» / بررسی دیدگاه قدما و معاصرین در این باره

برخی از فقهاء معتقدند که بین «رَوی» و «رُوِیَ» فرقی نیست، مثل آقای خوئی، سیستانی، ولی نظر استاد بر این است که این دو با هم فرق دارند.

وقتی که صدوق می‌گوید: رُوِیَ می‌تواند دو احتمال در آن وجود داشته باشد:

الف:

ب: در این مصدری که ذکر می‌کند، وجود ندارد.

برخی مثل آقای زنجانی معتقدند که «رُوِیَ» یعنی روایت ضعیف است.

کلینی و مشایخ او

بیشتر مشایخ کلینی، قمی هستند، و برخی از مشایخ او کوفی هستند،

حمید بن زیاد که واقفی است از مشایخ کلینی است، اهل کوفه بوده است،

محمد بن زیاد (ابن أبی عمیر) از نوادر او، واقفی‌ها نقل کرده‌اند ولی شیعه از این کتاب نقل نکرده است.

بعد از حمید بن زیاد سال ۳۱۰ دیگر واقفی به در سطح و مستوای حمید بن زیاد نیامد و شاید بتوان گفت که واقفیه بعد از او رو به اندراس رفت، و هم اکنون حتی یک نفر هم واقفی وجود ندارد.

واقفی < امام کاظم زنده است / امام رضا، او فکر می‌کند که پدرش از دنیا رفته ولی او زنده است.

(۱) امام رضا علیه‌السلام در [illegible] واقفیه فرمود: [illegible] فرزند [illegible]

- عبدالله بن مغیره واقفی بوده است و در زمان امام هادی (ع) زنده [illegible]

ابن طاووس و کتابخانه عظیم او

ابن طاووس در حله بوده و کتابخانه عظیمی داشته ، و علامه حلی و مرحوم محقق با اینکه همزمان باهم بودند و در حله زندگی می کردند ولی از کتابخانه عظیم ابن طاووس استفاده نکرده اند.

سید مرتضی و کتابخانه او

سید مرتضی در زمان شیخ طوسی بوده و کتابخانه او ۸۰ هزار کتاب داشته (در بغداد) شیخ طوسی از این کتابخانه استفاده نکرده است. و خود شیخ طوسی کتاب های زیادی از اشته است

صفوان:
- بن یحیی ← لا یروی عن حریص
- بن مهران (جمّال) ← یروی عن حریص

مراد از اهل العراق و الحجاز در روایات

أهل العراق : در روایات، مراد کوفه است

اهل الحجاز : در روایات، مراد اهل بصره است

سماعة در روایات مضمره

سماعة روایات مضمره دارد، یعنی به نحو اضمار می آورد و اشکالی ایجاد نمی کند

کتاب علی بن جعفر

علی بن جعفر کتاب مشهوری دارد و عده کمی مثل عمرکی بن علی البوفکی،
موسی بن قاسم بجلی، عبدالله بن حسن حمیری، علی بن اسباط این کتاب
(نسخه اول) (نسخه دوم)
را روایت کرده‌اند.
نسخه سوم: نزد قاضی نعمان بن اسماعیل صاحب دعائم الاسلام است.

شیخ مجلسی این نسخه را کاملاً نقل کرده و طولانی‌ترین نسخه است (در این نسخه،
«سألت أبی» در این کتاب وجود دارد که باید سألت أخی باشد، همچنانکه
در نسخه‌های دیگر آمده است). این نسخه ثقه است و به نحو وجاده بدست مجلسی
رسیده. البته این نسخه در دست شیخ حر بوده است چون هر دو معاصر یکدیگر
بوده‌اند. هر چه را که شیخ حر از علی بن جعفر نقل می‌کند، از نسخه علامه مجلسی
است.

آقای خوئی این نسخه را صحیح می‌داند، ولی به نظر ما این نسخه ضعیف است.

نسخه‌های کتاب (علی بن جعفر) روایت
- عمرکی
- موسی بن قاسم

شیخ حر در ابتدای وسایل تصریح می‌کند که این کتاب نسخه‌های متعددی دارد.

رجال نجاشی

نجاشی کتاب خود را براساس «اجازات» و «فهارس» نوشته است نه براساس روایات

علماء و تقیه

علماء معتقدند که ریشه هر مشکلی از تقیه است.

اصل کلّ بلیّة من التقیّة

تعارض در روایات و در زمان ائمه

در زمان ائمه علیهم السلام تعارض در روایات قطعاً وجود داشته است، به خصوص

تعارضی که در خصوص روایات پیامبر (ص) بعد از وفات ایشان پیدا شد.

بیشترین تعارض برای امام صادق و در زمان آن امام به وجود آمد. امّا چنین

تعارضی مثلاً در زمان امام سجاد (ع) وجود نداشت، از همین رو می‌بینیم که روایاتی

برای حلّ تعارض در زمان ائمه علیهم السلام صادر شده است

- یکی از راههای حلّ تعارض بین روایات، عرضه کردن روایات برای امام متأخر می‌باشد و عرض

دارای اقسام می‌باشد:

- روایات حمیری آخرین روایاتی بودند که بر حضرت مهدی (ع) عرضه شد.

- دو طائفه از روایات است که تعارض موجود را حلّ کردند، نه شیخ طوسی آورده و نه شیخ

کلینی

- برخی از روایات به عنوان روایات عرض بیان شده است ولی نتیجه آن عرض نمی‌باشد.

دعائم الاسلام و قاضی نعمان

اگر اسماعیلی را شیعه بدانیم، فاطمی ها اسماعیلی هستند، کتاب دعائم الاسلام

قاضی نعمان مصری؛ برای حکومت آن زمان، کتاب فقهی آنها بوده و بدان اعتماد می کرده اند

و همچنان کتاب فقهی آنها است.

مصادر این کتاب بسیار مهم است و به لحاظ زمان بین کلینی و صدوق می باشد.

قاضی نعمان در سال ۳۶۱ وفات کرده است و در مصر بوده است و از اوساط علمی دور

بوده است. صاحب کتاب دقیق و کثیر الاطلاع بوده و مصادر زیادی را در دست

داشته که به دست علمای دیگر نرسیده است

کتاب «الایضاح» از آنهاست و اخیراً چاپ شده است.

روایات این کتاب به نحو «وجاده» است نه به صورت اسناد

عوالی اللئالی و ابن أبی جمهور

این کتاب در قرن دهم و اواخر دولت صفوی ظاهر شد.

شیخ انصاری در مکاسب می‌گوید: عده‌ای از اخباری‌ها مثل صاحب حدائق هم در «مؤلِف» و هم در «مؤلَّف» خدشه کرده‌اند.

- در حقیقت، صاحب عوالی سعی کرده بود که جمع بین روایات شیعه و سنی نماید و وحدتی ایجاد کند. مشایخ ایشان مجهول هستند، به جز علی بن هلال جزایری که مشهور است، و ابن ابی جمهور فقط به مدت یک ماه نزد او تلمذ نموده است.

در این کتاب عجایب و غرایب موجود است و طرق ایشان به علامه حلی مجهول است.

- روایتی از زراره در باب اخبار علاجیه در روایات ما وجود ندارد، ولی در این کتاب وجود دارد که از زراره آورده است.

- شیخ نوری (محدث نوری) خیلی تلاش کرده که روایات این کتاب را تصحیح کند.

- کتاب عوالی مقدمه‌ای دارد که باید به آن مراجعه شود.